



مقایسه تطبیقی برنامه های زیباشناسی شهری بین دو کشور ایران و عمان

علی اصغر علیزاده^۱

راهنما: دکتر سید مجید نادری^۲

چکیده

مهم ترین عنصر تشکیل دهنده هنر در معیارهای زیباشناسی ارکان آن از دیدگاه معماری، طراحی شهری مبتنی بر قاعده و اصول متدهای هنری است. زیبایی به شکل پدیده ای بصری، یکی از عواملی است که به شهر، کیفیتی تجربی می بخشد. مؤلفه های بصری، بخشی از عواملی هستند که در تجربه ی شهر مؤثر بوده و توجه به ویژگی ها و الزامات هر یک از این سطوح، از دیدگاه قوانین بصری، برای شناسایی شخصیت شهر، ضروری می باشند. در این مقاله با عنایت به اینکه مفهوم "زیباشناسی" از جنس گزاره هایی ذهنی و تلویحی است و دسترسی به آنها از طریق روش های کمی ممکن نیست، اطلاعات پژوهش نیز از طریق روش های اسنادی و کتابخانه ای جمع آوری شده و تحلیل داده ها در عمده موارد متکی به تفسیرهای کیفی بوده است. نتایج حاصل از تحلیل داده ها نشان می دهند که با نظر بر تأثیر آب و هوا فضاهای عمومی و خارج از ساختمان شهری، شهر تهران در مقایسه با شهر مسقط، دارای تعدد بیشتر و مورد استفاده بیشتر شهروندان است.

واژگان کلیدی: محیط شهری، شکل عناصر، ویژگی های زیبایی، شناخت زیبایی، فهم زیبایی.

1

۱. دانشجوی دکتری شهرسازی

۲. دکتری تخصصی شهرسازی - استادیار گروه شهرسازی واحد تهران غرب



مقدمه

شکی نیست که به علت ساخت انبوه مسکن بعد از جنگ جهانی دوم و جنبش مدرن در طراحی و همچنین تأثیرات جهانی سازی، سازمان فضای شهری متحمل تغییرات بنیادینی شده است (سهرابیان و حبیب، ۱۳۹۴:۲۰۱). برخی محققان از این ادعا حمایت می کنند. برای مثال، کولهاس «معتقد است که شکل جدید شهر که با عنوان «شهر کلی» توصیف می شود موجب انبوه اشیا می شود که معمولاً رابطه ای با هم ندارند» (همان، ۱۳۹۴:۱۸۹). تچومی نیز اظهار داشت که «در عصر پسا مدرن، فضاهای شهری به عنوان مکان های بخش بندی فضایی شهری ظاهر می شوند که روش های سنتی شکل فضایی شهر را نمی توان در آن ها به کار برد» (امین زاده، ۱۳۹۷). الکساندر و دیگران (۱۹۸۰)، از این مشکل با عنوان «منظر سرد» قرن بیستم عنوان می کنند که نتیجه فقدان یک زبان برای سازندگی در شکل فضاهای شهری است. ترانسیک (۱۹۸۶: ۳۷) معتقد است که در بافت های شهری معاصر با ساختمان ها به عنوان اشیا مجزا برخورد می شود، که از دست دادن فضاها در نتیجه فقدان کیفیت زیبایی شکل در فضاهای شهری معاصر رخ می دهد (پاکزاد، ۱۳۹۵). شهر مکان پیدایی شکل برونی یا چهره شناساننده رویدادها و نهضت ها و شکوفایی های اجتماعی و هنری و تحولاتی است که در پی به میان آمدن شیوه های جدید تولید رخ نموده اند و می نمایند. شکل شهر بازگوکننده زندگی یکایک شهروندان آن است، کسانی که هر یک زندگی فردی و شخصی خود را پی می گیرند و به تناسب توان و نوع پیوندهایی که با محیط شهری برقرار می کنند، شکلی دگر به فضای زندگی انسان می دهد (گلکار، ۱۳۹۸: ۷۵). شهر عبارت است از کالبدی برای فعالیت های اجتماعی سازمان یافته، این تعریف ساده عناصر اصلی شهر، یعنی کالبد، فعالیت های اجتماعی و بالاخره سازمان یافتگی و روابط این عوامل را با یکدیگر بیان می کند (پاکزاد و ساکی، ۱۳۹۳: ۱۴). تماشای شهر، هر چقدر که مناظر آن معمولی باشد می تواند دلپذیر باشد. عوامل متحرک هر شهر، خاصه مردم و فعالیت های آنان، همان قدر در ایجاد تصویر شهر در ذهن مؤثرند که عوامل ثابت جسم شهر، و آدمیان نه تنها ناظر مناظر شهرند، بلکه خود نیز جزئی از آن هستند. در حال حاضر شهری که محیطش زیبا و دلنواز باشد، نادر است و یا حتی به گمان برخی اصلاً وجود ندارد. شهری زیبا است که تمام مظاهر آن نیکو باشد. تنها پاره ای از شهرها اجزایی خوش دارند و اکثر مردم زشتی شهری که در آن ساکن هستند برایشان آشکار است و از تراکم، دود، آسفتگی و یکنواختی بسیار آن شکایت دارند (سهرابیان و حبیب، ۱۳۹۴: ۲۰۰). در راستای رسیدن به شهری با مناظر و سیمای سامان در شهرها نیاز به الگویی مناسب برای زیباسازی وجود دارد. الگویی که در صورت اعمال آن بتوان به آسفتگی های کالبدی و بصری شهرها خاتمه داد. فضاهای شهری با فعالیت های درونی آن تعریف می شود و همین فعالیت ها و روابط مابین انسان ها، تصاویر ذهنی و از سوی دیگر خاطره شهری را سبب می شود؛ بدین معنی که هر چقدر یک مکان دارای بستر مناسب بیشتری برای فعالیت های مختلف باشد به میزان حافظه جمعی آن جامعه افزوده می شود. بر اساس فعالیت هایی که در یک مکان انجام می شود، خاطره هایی در ذهن استفاده کنندگان آن فضا نقش می بندد و جزئی از تصویر ذهنی آن ها از مکان می شود. در مقاله حاضر به مقایسه تطبیقی برنامه های زیبایی شناسی شهر بین دو کشور ایران و عمان می پردازیم، بنابراین مهمترین سوالات تحقیق را میتوان این گونه بیان کرد که:



- زیبایی شناسی چه برنامه ها و چه ویژگی هایی را دارا می باشد؟
- وجوه اشتراک بین زیباشناسی شهری در دو کشور ایران و عمان کدامند؟

ادبیات تحقیق

ادبیات نظری تحقیق

مفهوم زیبایی

واژه "زیباشناسی" (استتیک) ریشه یونانی داشته و به معنای دریافت است. هدف زیباشناسی این است که چگونه محیط اطراف و جایگاه شخص در محیط اطراف را به معنای واقعی درک کند (گروتز، ۱۳۸۹: ۳۵). واژه زیباشناسی را در سال ۱۷۵۰ الکساندر بلوم گارتن برای بیان مفهوم سلیقه در هنرهای زیبا ابداع کرد (صادقی، ۱۳۹۵). زیبایی شناسی که در فارسی معادل علم جمال است، رشته ای از روانشناسی است که هدف آن شناسانیدن جمال است و درباره مجموعه انفعالات و احساسات درونی انسان و ادراکات وی و درباره زیبایی و زشتی گفتگو میکنند. زیبایی شناسی به طور عام اصطلاحی مربوط به شناخت و درک مفاهیم زیبایی است (نقی زاده، ۱۳۹۲: ۱۴۲). اگرچه گاهی زیباشناسی را معادل فلسفه هنر میگیرند، اما بعضی نیز معتقدند که زیباشناسی میدان وسیع تری دارد و فلسفه هنر، بخشی از زیباشناسی است (جعفری، ۱۳۹۴). پرداختن به امر زیبایی و توصیف و تحلیل و معرفی آن، از اموری است که علی الظاهر امری سهل به نظر میرسد. این احساس از آنجا ناشی میشود که جملگی انسانها به زیبایی علاقمند بوده و همواره و به انحاء مختلف در پی برقراری تماس با آن از طریق تملک اشیاء زیبا، از راه حضور در فضاهاى زیبا، از طریق احساس (مشاهده و شنیدن و لمس و بوئیدن) پدیده های زیبا، از راه خلق آثار زیبا، از طریق اظهار نظر در مورد زیبایی همه اشیاء و مفاهیم و تقسیم آنها به زیبا و نازیبا، و بالاخره از طریق گفتگو (گفتن و شنیدن) در مورد زیبا و زیبایی هستند. زیستن در فضایی عینی و ذهنی که زیبایی (قطع نظر از تعریف یا مرتبه مدنظر آن) یکی از اصولی ترین ویژگی های آن است، خواست و تمایل جمله آدمیان است. در عین حال، وجود مراتب متنوع و پیچیده ای که برای زیبایی متصور و مطرح است، اظهار نظر در مورد زیبایی را دشوار میکند. این دشواری تا جایی است که در طول تاریخ، عده ای ارایه تعریفی از زیبایی را ناممکن شمرده اند. برخی دیگر، اصولاً زیبایی را در مقولات خاص و به ویژه در قلمرو هنر مطرح میکنند. گروهی نیز تنها بر زیبایی بصری متمرکز شده و پهنه زیبایی را در مشاهدات انسان محدود می کنند (Nohl, 2001).



جدول شماره(۱): مفهوم زیبایی از دیدگاه برخی از فلاسفه

مفهوم زیبایی	نظریه پردازان
تنها زیبایی موجود در طبیعت را زیبایی حقیقی واصل دانسته و سایر مراتب زیبایی و به خصوص زیبایی خلق شده از سوی انسان (هنرمندان) را تقلیدی از آن زیبایی اصیل میداند.	افلاطون
زیبایی در طبیعت محصول کردار ریاضی طبیعت است که به نوبه خود محصول خاصیت وجودی هر موجودی است. آنچه به طور عام خوشایند و بدون مفهوم است.	نیوتن
زیبایی نمود یا پرده های نگارین و شفاف است که روی کمال کشیده شده است.	کانت
زیبایی خلق شده از سوی هنرمند را زیبایی برتر میداند.	علامه جعفری
	هگل

ماخذ: یافته های تحقیق

زیبایی شناسی شهری

بررسی مفهوم زیبایی شناسی مشخص کرد که این مفهوم به طور کل از دو جنبه عین و ذهن قابل بررسی است. هدف این نوشتار نیز که بررسی مفهوم زیبایی شناسی شهری است از این قاعده مستثنی نیست. از یک طرف کالبد شهر مطرح است و از طرف دیگر ذهنیت شهروندان. اما زیبایی شناسی در مباحث مرتبط با شهر از دیدگاه های دیگری نیز قابل بررسی است. همان طور که اشاره شد یکی از آنها تقابل دو رویکرد عینی و ذهنی به این موضوع است. و سایر رویکردهای طرح شده در این حوزه نیز به گونه ای جدل میان مباحث عینی و ذهنی است اما چون به طور اختصاصی و در حوزه شهر مورد استفاده قرار می گیرند در این نوشتار نیز براساس واژه های رایج در ادبیات متون علمی به آنها اشاره می شود (Nohl,2001; Chen et al,2009; Junker& Buchecker,2008). آنچه در ادامه به عنوان چهار رویکرد در زیبایی شناسی شهری اشاره می شود، مواردی است که در ادبیات متون در رابطه با زیبایی شناسی مورد استفاده قرار گرفته است:

- زیباشناسی کالبدی
 - زیباشناسی روان شناسانه
 - زیبایی شناسی کارشناس محور
- ### زیبایی شناسی در منظر شهری

نیاز به زیبایی جزء ناشناخته ترین نیازها می باشد، "مازلو" معتقد است که این نیاز در بعضی افراد وجود دارد. اینگونه افراد با دیدن زشتی، بیمار می شوند و با قرار گرفتن در محیطی زیبا، بهبود می یابند. این حالت تقریباً به طور عام در کودکان سالم دیده می شود، در تعریف این نیاز سه موضوع ارزش، لذت و تعجب مهم است. نکته ای که باید در مبحث زیبایی شناسی مورد توجه قرار بگیرد تنوع طلبی است. انسان از یکنواختی محیط، احساس رکود و افسردگی می نماید.

^۲Abraham (Harold) Maslow



اگرچه محیط او زیباترین منظره یا اثر هنری باشد. چنانکه نگهبانان آثار هنری که مأموریت نگهداری دائمی از آنها را دارند، از تماشای آن آثار لذتی نمی برند. جای تردید نیست که هر انسانی و هر قوم و ملتی از انسان ها با نظر به چگونگی تفسیر و توجیهی که درباره حیات خود دارند و با نظر به فرهنگی که در آن زندگی می کنند حقایقی را به عنوان آرمان ها و ایده های اعلاء برای خود پذیرفته اند، این آرمان ها و ایده ها اگر از سنخ عظمت های معقول مانند: عدالت و آزادی و نظم و صدق و اخلاق و فداکاری و سایر تجلیات تکاملی روح بوده باشند، تحقق و انطباق آنها در زندگی عینی انسان ها، زیبایی عقلانی نامیده می شود و اگر از سنخ ترکیبات و کیفیات محسوس باشند، زیبایی حسی نامیده می شود (پاکزاد، ۱۳۸۵: ۳۷). درک زیباشناسی از محیط شهری اساساً بصری و وابسته به زیبایی است، با وجود این تجربه، محیط های شهری همه حس های ما را در بر می گیرد و در بعضی شرایط شنوایی، بویایی و بساوی می توانند مهم تر از بینایی باشند. چنانکه "ون میس" از طراحان درخواست می کند، که به ما اجازه دهید که سعی کنیم انعکاس فضاهایی را که طراحی می کنیم تصور کنیم. بوهایی که بوسیله مصالح ساطع می شود یا فعالیت هایی که آنجا اتفاق می افتد و لمس تجربه ای که آن فضاها ایجاد می کنند. درک بصری از محیط های شهری محصول ادراک و تشخیص است و آن چیزی است که ما را بر می انگیزد که درک کنیم، چطور آنها را درک کنیم، چطور اطلاعات جمع آوری شده را تفسیر و قضاوت کنیم و چطور فضا در ذهن ما جذب به نظر می رسد. چنین اطلاعاتی بیشتر، از اینکه ما چه احساسی در مورد یک محیط ویژه داریم و برای ما چه معنی می دهد، تأثیر گرفته اند. همان طور که عقاید زیبایی از لحاظ اجتماعی و فرهنگی ساخته می شود، پس زیبایی باید حداقل در بخشی بیشتر از سادگی در ذهن مشاهده کننده قرار بگیرد. تشخیص این موضوع مهم است که سلیقه و ذوق کلی عموم برای محیط های ویژه گسترده تر از ملاک و معیار زیبایی است (۱۹۹۰: ۷۹: Miess). "جک نسر" پنج خصوصیت از محیط های دوست داشتنی را مشخص می کند. از دید او محیط های نامطلوب، برعکس این ویژگی ها را دارند. در هر حالت آن ویژگی هایی که برای مشاهده کننده مهم می باشد در زیر ذکر شده است؛

5

۱- تمیزی و نگهداری خوب ۲- اصالت تاریخی داشتن ۳- نظم داشتن ۴- رنگ طبیعی داشتن ها فضاهای باز و تعریف شده (Nasar, ۱۹۹۸: ۲۸)

جک نسر در کتاب "سیمای ارزیابانه شهر" بیان می کند که مردم تجربه مواردی چون موسیقی، ادبیات و هنر را می توانند برگزینند. اما، در مورد شهر چنین امکانی برای افراد فراهم نیست. هر روزه افراد زیادی برای انجام فعالیت های روزمره خود ناگزیر از عبور از فضای شهری اند و در طول این گذر، به ناچار بخش هایی از محیط شهری خود را تجربه می کنند و با آن درگیر می شوند (۱۳۰: ۲۰۰۳: Carmona). همچنین "کرمونا" اعتقاد دارد فرم شهر و ظاهر آن باید طیف وسیعی از مردمی که آنرا تجربه می کنند را راضی کند، همان طور که "راپاپورت" منظر شهر را نقطه تماس فرد با

⁴ Von Meiss

⁵ Jack Nasar

⁶ Mathew Carmona



محیط پیرامون می داند. همچنین کاپلانها^۷ چهار چوب ترجیح محیطی افراد را برشمردند. کاپلان ها اظهار می کنند که یکپارچگی، خوانایی، پیچیدگی و رمز و راز به عنوان کیفیت های اطلاعاتی محیطها هستند که به ترجیحات مردم برای محیط های کالبدی کمک می کنند. برای درک آنی از محیطها، فهمیدن بوسیله یکپارچگی و پیچیدگی محیطی حمایت شده است که در زمان طولانی تر کیفیت های خوانایی و رمز و راز جستجوی محیطها را تشویق می کند (۱۳۴: ۲۰۰۶ Carmona,

لذا، با توجه به موارد مطرح شده در باب زیبایی از متخصصان طراحی در فضای شهری میتوان گفت: در فعالیت های روزانه، مردم باید در قسمت های عمومی محیط شهری عبور و آنرا تجربه کنند. بنابراین در حالی که ممکن است عقیده هنرهای بصری عالی را پذیرفت، که به نظر یک بیننده کم اطلاع، جذاب بیاید و توجه او را جلب کند که دیدن از یک موزه را انتخاب کند، فرم و ظاهر شهر باید عموم گسترده تری را راضی کند که به طور منظم آنرا تجربه می کنند.

ادبیات تجربی تحقیق

تحقیقات در خصوص زیبایی شناسی شهری از طیف وسیعی برخوردار می باشند و لازم است با انجام تحقیقات بیشتر، ابعاد آن روشن تر شده تا راهکارها نیز عملی تر باشند. در این راستا ضروری است، مفهوم زیبایی شناسی شهری براساس تحقیقات و پژوهش های بنیادی و کاربردی داخلی و خارجی تعیین و تدوین شوند، که بخشی از تحقیقات و پژوهش های انجام گرفته در خصوص زیبایی شناسی شهری به شرح زیر میباشند:

6

کریمی (۱۳۹۲)، در مقاله ای تحت عنوان رویکردها و روشها در زیبایی شناسی شهری، چارچوبی را جهت انجام پژوهش های بعدی که قرار است در مورد مباحث زیبایی شناسی در شهر انجام گیرد را مورد حمایت قرار می دهد و به محققان کمک می نماید تا رویکرد و روشی درست را در انجام تحقیقاتی از این دست را به انجام برسانند. نتایج حاصل از این پژوهش نشان می دهد جهت انجام بررسی های زیبایی شناسی شهری نیاز است که رویکردهای مردم محور و روان شناسانه به عنوان بستر اصلی در زیبایی شناسی و رویکردهای کالبدی و کارشناس محور به عنوان مکمل رویکردهای مردم محور و روان شناسانه مورد استفاده قرار گیرد.

محسن پور (۱۳۹۴)، در پژوهشی با عنوان زیبایی شناسی فضای شهری، براساس مطالعات کتابخانه ای و مشاهدات میدانی، ابتدا به بررسی مفاهیم اولیه زیبایی شناسی فضای شهری، سپس مجموعه ای از معیارها و شاخص های زیبایی شناسی می پردازد، تا با استفاده از معیار و شاخص های مذکور به زیبایی فضای شهری و بهبود کیفیت این مکانها دست یابد. بنابراین به این نتیجه می رسد که می توان به کمک طراحی مناسب و زیبای فضاهای شهری، کیفیت محیط و تصویر ذهنی مطلوب و ماندگار در ذهن شهروندان را ارتقا بخشید.

واعظی (۱۳۹۵)، در بررسی روش های ارزیابی و تحلیل کیفیت و زیبایی شناسی محیط و منظر شهری با تدقیق در روش های ارزیابی در نظریه های موجود و بررسی رابطه واکنش های جسمی - روانی انسان و مناظر زیبا، سعی در معرفی

⁷ Kaplan & Kaplan



ابعاد مختلف (روان شناسانه) ارزیابی کیفیت منظر دارد. و به این نتیجه می‌رسد که واکنش های فیزیولوژیک- عاطفی که پس از درگیر شدن حواس انسانی در منظر، بازخوردهایی نظیر (کاهش استرس، تغییر ضربان قلب، تغییر حالت مردمک چشم، تغییرات روی پوست و عضلات صورت و ...) را در پی دارد، می‌تواند به عنوان معیارهایی برای سنجش سه واکنش سازیبایی (لذت، شگفتی، ارزش) و پارامتر مؤثر در طراحی منظر مورد استفاده قرار گیرد.

متولی (۱۳۸۹)، در مقاله ای تحت عنوان بررسی و سنجش کیفیت زیبایی در منظر شهری بر اساس مفهوم دیدهای متوالی (نمونه موردی مسیر گردشگری دارآباد تهران)، به تحلیل موضوع کیفیت زیبایی بوسیلهٔ تدوین معیارهای سنجش و ارزیابی بر پایه مفهوم دیدهای متوالی در منظر شهری پرداخته است. هدف اصلی پژوهش، برقراری ارتباط میان تئوری زیبایی‌شناسی منظر شهری و مفهوم دیدهای متوالی میباشد که این امر عامل دستیابی به اصول کاربردی در طراحی منظر شهری است که تأکید این اصول بر تغییرات تدریجی منظر در طول حرکت و ارتباط آن با زیبایی‌شناسی فضای شهری میباشد. سپس مجموعه‌ای از معیارها و شاخصها در ارتباط با مفاهیم کیفیت زیبایی و دیدهای متوالی، در قالب ماتریس ارزیابی، مورد سنجش قرار گرفته است و در نهایت به ارائه راهکارهای طراحی منظر به جهت افزایش کیفیت- زیبایی در هر یک از پهنه‌های محدوده مورد مطالعه میپردازد.

جوادی (۱۳۹۲)، در تحقیقی با عنوان زیبایی‌شناسی منظر شهری تهران به این بحث میپردازد که نگاه زیباشناسانه و تحلیل ویژگی‌های زیبای یک شهر اگر منطبق بر اصول و معیارهای خاص زیبایی‌شناسی شهری باشد و علاوه بر رویکرد کالبدی، فرآیندها و زندگی جاری در این فضاها و حالی که القا می‌کنند را دربر بگیرد، بسیاری شهرها را می‌توان با دیدی متفاوت نگریست و به مراتبی از زیبایی در منظر و محیط آنها پی برد که شاید پیش از این ادراک نشده باشند. تهران اگرچه شلوغ و بی‌نظم است و زندگی در آن دشوار و طاقت فرساست، اما هیاهو و جنب و جوش آن از یک سو، حضور طبیعت با کوه، آب و درختان و منظر قدیم و جدید آن از سوی دیگر، ویژگی‌هایی است که به تهران زیبایی بخشیده است. هویت تهران امروز و زیبایی آن، واقعیتی است که به تهران زیبایی بخشیده و از همزیستی پایتخت قدیم و جدید با تمام ویژگی‌های امروزی آن شکل گرفته است.

اتون^۱ و احمدنیا (۲۰۱۹)، این مطالعه کیفی نظریه زمینه‌ای، گشایش روشی برای درک ساختار معنای زیبایی و پرداختن به تفکیک بافت است. در این مطالعه فرض شد که فرآیند شناخت زیبایی و شاخص‌های آن دارای معناهای متفاوتی در بافت‌های شهری مختلف هستند. در این رابطه، این مطالعه با اجرای یک مرور منظم از ۱۴۰ مطالعه کیفی که از دهه ۱۹۷۰ منتشر شده‌اند (در دهه ۱۹۷۰ جنبشی برای مطالعه کیفیت زیبایی محیط شهری وجود داشت)، یک مدل تفکر طراحی زیبایی برای توضیح چگونگی تاثیرگذاری عوامل محیطی ساخته شده و نشده شکل فضایی شهری بر ادراک انسان پیشنهاد می‌کند. مطالعه ما نشان می‌دهد که هر پاسخ زیبایی به محیط از یک ارتباط بین احساس تفکری، تمایل حسی و یک حالت اشتغال آنی ناشی می‌شود. یافته‌ها، شواهد مفیدی برای افزایش دانش ما در ارتباط با نقش معناهای رسمی و نمادین شکل‌های فضایی در شناخت زیبایی محیط‌شهری فراهم می‌کنند.

^۱Aton



لاوسون^۱ (۲۰۱۷)، با تفسیر ملاک‌های نیازهای فضایی بشر نتیجه گرفت که برای بدست آوردن فضاهایی که خوب شکل گرفته‌اند باید حس و ادراک، اندازه و فاصله، مقیاس و نظم اجتماعی، جلو زمینه و پس زمینه، حالت قائمی، تقارن، رنگ، معنا، بافت، محدوده آسایش و خلق محدوده آسایش در طراحی زیباشناختی‌مان از فضاهای شهری را مد نظر قرار داد. بورتون و میچل (۲۰۱۶)، نیز روشی برای سازماندهی فضاهای شهری قابل تفسیر ایجاد کردند؛ آن‌ها شش اصل کلیدی شکل زیباشناسی شهر را پیشنهاد کردند: آشنایی، قابل قبول بودن، خوانایی، تمایز، آسایش و ایمنی. این نویسندگان معتقدند به کارگیری این ویژگی‌ها در شکل یک محیط شهری به طور گسترده‌ای ایجاد فضاهای شهری ماندنی را تسهیل می‌کند. گروه دیگری از محققان قضاوت زیباشناختی در محیط‌های شهری را با توجه به اصول مختلفی مثل تازگی و معمول بودن (نسار، ۱۹۹۴؛ هکرت و دیگران، ۲۰۰۳)، پوشش گیاهی (کاکوفسکی و نسار، ۲۰۰۳؛ کیتا و دیگران، ۲۰۱۱)، نظم (نسار، ۱۹۹۸)، تقابل بین نظم و پیچیدگی (کاپلان، ۱۹۸۲)، نگهداری و ترمیم (نسار، ۱۹۹۴) و شکل خوب (فری، ۱۹۹۳: ۲۴) به طور تجربی ارزیابی کردند.

روش شناسی تحقیق

در مقاله حاضر به لحاظ "ماهیت پژوهش"، از گونه پژوهش‌های "کیفی" از نوع "بنیادی" و به لحاظ منطق پژوهشی "قیاسی" می‌باشد. پژوهش‌های بنیادی به منظور ایجاد، پالایش و توسعه‌ی نظریه‌ها انجام می‌گیرد و مسأله‌ی آنها از حوزه‌ی اجرایی و واقعی ناشی نمی‌شود. با توجه به ماهیت کیفی پدیده‌های مداخله‌گر در محیط شهری از جمله زیباشناسی شهری، بدون تردید روش‌های کیفی می‌توانند در مطالعات برنامه‌ریزی شهری کاربرد موجهی داشته باشند. روش مورد استفاده در پژوهش حاضر استدلال منطقی بوده، این روش فرایندی است که با هدفها و مفروضات شروع می‌شود و در نهایت راه صحیح عمل را نشان می‌دهد این روش با دلایل منطقی و محکم بیان می‌کند که باید اینگونه رفتار کرد و چنانچه رفتار مورد عمل مطابق با آن نباشد، دلایل مجاب می‌کند که عمل جاری باید عوض شود به عبارت دیگر از احکام کلی نتایج جزئی گرفته می‌شود. در استدلال قیاسی فرد با استفاده از قوانین معین منطق از احکام کلی به احکام جزئی می‌رسد. در تحقیق حاضر بدنبال مقایسه تطبیقی برنامه‌های زیباشناسی شهری بین دو کشور ایران و عمان می‌باشد. دلیل انتخاب این روش، محتوای مورد انتظار برای گردآوری و تحلیل بود. چراکه مفهوم "زیباشناسی" از جنس گزاره‌هایی ذهنی و تلویحی است و دسترسی به آن‌ها از طریق روش‌های کمی ممکن نیست. اطلاعات پژوهش نیز از طریق روش‌های اسنادی و کتابخانه‌ای جمع‌آوری شده و تحلیل داده‌ها در عمده موارد متکی به تفسیرهای کیفی بوده است.

^۱, Lawson



تجزیه و تحلیل

مفهوم زیباشناسی

زیبایی‌شناسی نظری بر تحلیل درونی و باورهای شخصی از مفهوم زیبایی و خوشایند بودن محیط استوار است. این رویکرد در مطالعات زیبایی‌شناختی تحت عناوینی چون هرمنوتیک، پدیدارشناسی، وجودی، سیاسی که همه فلسفی هستند، انجام می‌شود و با رویکردهای علمی و روان‌کاوانه شباهت دارد. برای توجه به تجربه مردم در محیط و کمک به تحول نظریه طراحی محیط، لازم است که مدل‌های ماهیت تجربه زیبایی‌شناختی را بر مبنای نظریه های روانشناختی و تحلیل درونی محیط و انسان، تدوین کرد.

هرمنوتیک: تفسیر (معنای) محیط، مانند یک متن، عمل رمزگشایی و دریافت معنای نمادها و آثار هنری.

پدیدارشناسی: یک بینش شهودی در مقابل شناخت متقابل فرد و محیط است.

وجودی: به خلاقیت ایجاد شده و محصول هنری توجه می‌کند.

سیاسی: هنر محصول و تجلی تقابل طبقاتی جامعه، و رویکرد روان‌کاوانه آن موجب پالایش روان است (پاکزاد و ساکی، ۱۳۹۳: ۱۳). زیبایی به دلیل وابسته بودن به فرهنگ و ایده آل‌های جامعه، یک امر مطلق و ثابت نیست و در طول زمان متغیر است. دریافت زیبایی معمولاً با سه حالت (لذت، شگفتی، ارزش) همراه است. کیفیت های دیگری نیز واجد زیبایی می‌باشند که در بطن سه حالت گفته شده مبسوط‌اند (پاکزاد، ۱۳۹۵).

شاخص‌های ترجیح زیباشناسی شهر

براساس رویکرد روش‌شناختی این پژوهش، پژوهشگران به منظور آماده‌سازی یک بافت عینی برای مطالعه (کسب اعتبار عمومی) و فاصله برابر با هر پژوهشگر، تصمیم گرفتند که شاخص‌هایی را (که بر شکل‌های شهری زیبا، تأثیر می‌گذارند) بدون هیچ دیدگاه مهمی جمع‌آوری کنند. چون شاخص‌های فهم زیباشناسی در هر بافتی تفاوت دارد، مدل پیشنهادی باید شامل کلیه شاخص‌ها باشد. در این زمینه، لینچ (۱۹۶۰)، اصطلاح «قابلیت تصور» را معرفی کرد. او اشاره کرد که محیط دارای توانایی یک کیفیت زیباشناسی تأثیرگذار است. در نتیجه، او گره‌ها، مسیرها، نشانه‌های خاص، ناحیه‌ها و لبه را به عنوان عناصر ضروری طراحی شهر پیشنهاد کرد. رید (۲۰۱۱)، نشان داد که در تحلیل زیباشناسی محیط شهر، اصطلاحات دیداری را می‌توان در تفسیر فضاها توضیح داد. این اصطلاحات شکل، خط، رنگ و بافت هستند که می‌توانند مؤلفه‌های اصلی شکل محیطی را تشکیل دهند (سهرابیان و حبیب، ۱۳۹۵). در این زمینه، نثار (۱۹۹۸)، پنج ویژگی محیط‌های مورد علاقه را در مقابل محیط‌های منفور معرفی کرد. این ویژگی‌ها را می‌توان به پنج مجموعه از ترجیحات تعمیم‌یافته یعنی طبیعی بودن، مرمت، گشودگی و فضای تعریف شده، چشمگیری تاریخی و نظم تقسیم‌بندی کرد. ادراک مشاهده‌گر از هر ویژگی مهم است. روانشناسی گشتالت نیز بر مبنای ایده شکل فضا با تفسیر روابط بین شکل‌ها یا تنظیمات فضایی بهبود یافته است (پاکزاد، ۱۳۹۵). بعدها، مکتب گشتالت قوانینی را برای اندازه‌گیری برآزش شکل (اصول گروه‌بندی و انسجام) تدوین کرد که به مشابهت، رنگ، مداومت، نزدیکی، زمین‌مشترک و جهت‌گیری مربوط



هستند (گلکار، ۱۳۹۸: ۷۵). در این رابطه، لینچ (۱۹۸۱)، ویژگی‌های یک شکل خوب شهر را مثل شفافیت، شکل-پس‌زمینه، پیوستگی، سلطه، سادگی شکل، شفافیت پیوندگاه، آگاهی حرکت و رشته‌های زمانی معرفی کرد. بعدها، سیت (۱۸۸۹)، یک رویکرد زیبا برای طراحی شهر معرفی کرد. او رشته‌هایی از اصول هنری را مشتق کرد که با ادغام اصول زیر در میدان‌های عمومی کاربرد دارند: (۱) مرکز میدان‌های عمومی باید برای استفاده از یادواره‌ها و تمرکز دیداری خالی از هرج و مرج باشد؛ (۲) بی‌نظمی در یک شکل مناسب است؛ (۳) میدان‌های عمومی باید درون حصار باشند؛ (۴) هنگام تعیین شکل و اندازه میدان‌های عمومی، شکل میدان‌های شهر نیز باید در نظر گرفته شود. الکساندر و دیگران (۱۹۸۰)، نشان دادند که آیا یک محیط، تصویر مثبت یا منفی اشاعه می‌دهد یا نه، که به چگالی مرکز قوی فضا و مرزهای تعیین شده و شکل آن بستگی دارد. در حقیقت، هر ساختمانی باید همسایه خوبی برای سایر ساختمان‌های موجود باشد. در این رابطه، اسمیت و دیگران (۱۹۹۷)، مدعی شدند که ظرفیت درونی ما برای فهم زیباشناسی از حس الگو، فهم ریتم، حساسیت به بهم پیوستگی‌های هماهنگ و فهم تعادل نشأت می‌گیرد.

اصطلاح محیط پاسخگر توسط بنتلی و دیگران (۱۹۸۵)، برای افزایش میزان انتخاب با توجه نفوذپذیری، تنومندی، مناسبت دیداری و شخصی‌سازی معرفی شد. همچنین بر نیاز به محیط‌های مردم سالارتر و غنی تاکید می‌کنیم که میزان انتخاب در دسترس استفاده کنندگان را افزایش می‌دهد. در این رابطه، ترانسیک (۱۹۸۶)، ارزیابی فضاهای مدرن را تعریف و نمونه‌های معروف را تحلیل کرد و سه رویکرد ترکیبی به نظریه طراحی شهری معرفی کرد: (۱) نظریه جایگاه؛ (۲) نظریه پیوند؛ (۳) نظریه شکل‌زمینه. این نظریه‌ها تفاوت چشمگیری با یکدیگر دارند اما ترانسیک بیان کرد که ترکیب این اصول در شکل طراحی شهری موجب کیفیت خوب و بالایی در شکل فضایی شهر می‌شود.

جکوبس و اپلیارد (۱۹۸۷)، هفت هدف را پیشنهاد کرد که برای تولید شکل‌های شهری خوب باید به آن‌ها پرداخت. آن‌ها معتقدند که یک فضای شهری خوب می‌تواند یک فضای قابل زندگی، قابل شناسایی و کنترل پذیر ایجاد کند و به فرصت‌ها، تخیل و لذت دسترسی داشته باشد (آبو، ۲۰۱۰). کاپلان و دیگران (۱۹۸۹) از طریق پژوهش بر روی رفتار محیطی، چهار ویژگی مکمل ایجاد کردند که بر تجربه دیداری مردم از منظره‌ها تأثیر می‌کند: خوانایی، معما، انسجام و پیچیدگی. راپاپورت (۱۹۹۰)، ۳۶ ویژگی محیط‌شهری موفق را شناسایی کرد که بیشتر آن‌ها به اندازه و شکل مربوط هستند. او ویژگی‌ها را به شش طبقه تقسیم کرد و معتقد بود که یک محیط‌شهری موفق و زیبا احتمالاً سطوح بالایی از بستگی و تنگی، پروفایل‌های پیچیده، سطوح شدیداً مفصلی و عناصر حصارکشی دارد. موگتین (۱۹۹۲)، عناصر اصول طراحی سنتی را برای تعریف معماری زیبا در فضاهای شهری ابداع کرد. او نتیجه گرفت که تقارن، مقیاس، تضاد و هماهنگی از جمله اصول طراحی زیبا در محیط شهری هستند. بر همین اساس، گل (۱۹۹۶)، بیان کرد که اندازه، شکل، ارتباطات، حالت عناصر درون‌فضا و طراحی دقیق این عناصر در تعیین کیفیت یک فضای عمومی مهم هستند. اسمیت و دیگران (۱۹۹۷)، بر مبنای یک تحلیل گسترده از تصویرسازی فیزیکی مبتنی بر جایگاه فهرست مشابهی از ویژگی‌هایی ایجاد کردند که محیط‌های شهری باید داشته باشند: ارتباط، تحرک، سکنی‌پذیری، شخصیت، آزادی شخصی و تنوع. وبر



و دیگران (۲۰۰۸)، نیز تقارن، تجانس، مقیاس و یکنواختی رسمی را به عنوان پیش‌بینی کننده‌های اصلی فهم زیباشناسی محیط ساخته شده پیشنهاد کردند (گلکار، ۱۳۹۸).

برنامه ها و ویژگی‌های فضاهای شهری مسقط

در شهر مسقط ارتباط مثبت و قوی بین طراحی فضای شهری وجود دارد که از دید شهروندان، یک هماهنگی خوب بین فضا و چارچوب تشکیلاتی شهر مسقط وجود دارد که در ادامه به بررسی برنامه های زیباشناسی فضای شهری مسقط خواهیم پرداخت.

برنامه‌های زیباشناسی شهر مسقط

در سال‌های اخیر شهرهای خاورمیانه طراحی جدیدی را به عنوان بخشی از روند نوسازی در نظر گرفتند. در بافت مرکزی شهر که اکثراً ارگان‌های دولتی هستند، ما شاهد دیدن ساختمان‌ها با معماری سنتی- رسمی هستیم و معماری میداین همانند بیشتر شهرهای خاورمیانه می‌باشد که پس از نقش و تأثیر سیاسی بهار عربی بر این میداین تأثیر گذاشته است، ولیکن در عمان و مسقط کمتر از این الگو استفاده شده است. در شهر مسقط، فضاهای عمومی مدرن با وسعت بزرگ وجود دارد که در طی سال‌های اخیر ساخته شده‌اند که با ایجاد تغییر از اشکال مربعی شکل برای میداین استفاده شده است (قانما، ۲۰۱۳).

انواع مختلفی از فضاهای باز عمومی در مسقط وجود دارد، پارک‌ها و باغات در خاورمیانه در بالای مکان‌های باز عمومی ترجیحی به عنوان بخشی از فرهنگ اسلامی و عربی در طول تاریخ قرار دارند. این مفهوم نسبتاً جدید است زیرا مردم در گذشته باغهای خصوصی داشتند و امروز مردم مسقط فضاهای سبز درون شهری را به عنوان یک فرهنگ در خاورمیانه پذیرفته‌اند. با این حال، فضاهای شهری مانند ساحل دریا، خیابان‌ها، میداین و میدان‌ها به عنوان پارک‌های خوب و باغ‌ها به خوبی استفاده نمی‌شوند. مسقط یک شهر ساحلی است که در آن جامعه به سواحل دریای عمان متصل است اما هنوز قسمت‌هایی از سواحل برای زندگی مناسب نیست و خیابان‌ها به خوبی طراحی نشده‌اند و بیشتر اوقات برای قسمت‌های بازاری فضایی طراحی نشده است (والین، ۲۰۱۴).

فضاهای تجمع قدیمی مربوط به آنچه از فضاهای سنتی به جا مانده است هستند. آن‌ها توسط شهروندان برای رویدادهای تجاری و جشن طراحی شده‌اند. این نوع فضای باز در گذشته به طور مستمری مورد استفاده قرار می‌گرفت. امروز آن‌ها به تدریج در مسقط ناپدید می‌شوند زیرا توسط شهرداری مسقط جایگزین شده‌اند که لزوماً برای کاربران مناسب نیست و به تدریج توسط نسل‌های جدید شناخته نمی‌شوند. امروزه این نوع فضا با فرهنگ جدید اصلاح شده نسل جدید مناسب نیست (بونین، ۲۰۱۷).

^{۱۱} Ghanma

^{۱۲} Wahlin

^{۱۳} Bonine



شده هستند بنابراین همه آن‌ها با ظهور نوزایی در دهه ۱۹۷۰ نسبتاً جدید هستند، فضاهای جدید تجمع به عنوان بخشی از دوران رنسانس مدرن عمان فراهم شده است. آن‌ها با استفاده از ویژگی‌های مدرن، به عنوان نشانه‌های زمین شهری، بیشتر به عنوان شهر طراحی می‌شوند (هربرت، ۲۰۱۳^{۱۴}). مطالعات موردی متداولی از مناطق مختلف مسقط نشان می‌داد که بیشترین تمرکز برای فعالیت عابر پیاده و شرایط آب و هوایی در مسقط نقش بسزایی در فضاهای عمومی ایجاد شده دارد زیرا در ۶۷ درصد از حالات ممکن هوای شهر در حالت گرم و مرطوب قرار دارد، و به همین سبب فضاهای داخلی برای کسانی که از آن استفاده می‌کنند بیشتر مورد استقبال قرار می‌گیرد. با این حال آب و هوای روزهای مسقط در ماه‌های بین اکتبر و آوریل دلپذیر است، و شبها در ماه سپتامبر دلپذیر است. طراحی‌های مسلط به چشم انداز سخت باعث دلسرد شدن استفاده از فضاهای روزانه بخصوص برای مدت طولانی می‌شود به همین خاطر که، در اغلب ماه‌ها هوا گرم و تابستانی است، فضاها به صورت خصوصی در ساختمان‌ها هستند (هاکر^{۱۵}؛ ۲۰۱۵). بیشتر برنامه‌های کشورهای عمان در رابطه با زیباسازی شهری بر روی شواهد مورد نظر نشان می‌دهد که طبق الگوبرداری از معماری خاورمیانه بیشتر تمرکز زیباشناسی شهری را بر روی میدین یا میدانهای عمومی همراه با تطبیق معماری غرب و اروپایی انجام داده‌است. فضاهای باز عمومی در عمان. یک نیاز جدی برای بازسازی و سازماندهی مجدد وجود دارد و این عملکرد با سازمان برنامه‌ریزی شهری و شهردار و... قابل انجام است (زوکین^{۱۶}؛ ۲۰۱۳).

برنامه‌های زیباشناسی شهر تهران

طی دهه گذشته دغدغه‌های جدی فراوانی توسط مسئولان، حرفه‌مندان و دانشگاہیان در مورد کیفیت طراحی شهری و منظر شهری تهران ابراز گردیده است. چنانچه تهران در صدد ارتقاء توان رقابتی خود در وضعیت جهانی شدن باشد و چنانچه ارتقاء تجربه زندگی شهری ساکنان مدنظر باشد، آن‌گاه ارتقاء منظرشهری دیگر نه یک انتخاب بلکه یک ضرورت خواهد بود. تاکنون مطالعات متعددی، غالباً به صورت پراکنده و ناتمام در خصوص سیمای تهران صورت گرفته است؛ اما، برای اولین بار در سال ۱۳۸۵ و در قالب برنامه مکملی برای طرح جامع جدید تهران، تهیه یک سند رسمی تحت عنوان «برنامه راهبردی طراحی شهری و مدیریت منظر شهری تهران»، در دستور کار نهادهای مسئول قرار گرفت. هدف اصلی این طرح تولید «سند برنامه راهبردی طراحی شهری و مدیریت منظر شهری تهران» به منظور تکمیل اسناد رسمی شهر تهران و بویژه برنامه‌های طرح جامع تهران، به عنوان ابزاری جهت تحقق چشم انداز طرح جامع جدید (در تبدیل تهران به شهری پایدار، جهانی، دانش پایه و بهره مند از هویت معماری و شهرسازی ایرانی - اسلامی) در زمینه موضوعات راهبردی به نحوی مرتبط و مکمل طرح جامع است. خلیجی در مقاله‌ای تحت عنوان نگاهی به سند راهبردی طراحی منظر شهری تهران، با رویکرد محتوایی به ارزیابی مرحله اول طرح پرداخته است، وی در این مقاله بیان می‌کند که ناتمام ماندن مطالعات در مرحله اول و نرسیدن به دو برنامه راهبردی و عملیاتی منجر به این شده که قضاوت در خصوص

^{۱۴} Herbert

^{۱۵} Hacker

^{۱۶} Zukin



محتوای این طرح مقدور نباشد. با این وجود به نظر می‌رسد که موارد زیر را می‌توان به عنوان مسایل اصلی این مطالعه طرح نمود:

۱. از آنجایی که این مطالعه به عنوان سند مکمل سند طرح جامع شهر تهران تلقی می‌شود، تعریف چشم‌اندازی دوباره برای توسعه شهر تهران ضرورتی نداشته است، اختصاص حجم وسیعی از مطالعات در مرحله اول به تدوین چشم‌اندازی مجزا از چشم‌انداز سند، موجب کاهش سرعت تهیه طرح و بازماندن طرح از مراحل بعدی شده است.

۲. این مطالعه پیشنهادهای خود را بیشتر بر مبنای لایه فرم کالبدی قرار داده و بیانی فیزیکی از منظر شهر تهران داشته است. منظر شهری می‌تواند ناظر به ابعاد رفتاری و انسانی در محیط شهری باشد و منظر را در معنای نظام ارتباطات متقابل انسان و محیط تعریف کند. از همین روست که موضوع «مدیریت» منظر شهری مطرح می‌شود و اکتفا به پیشنهادات و ضوابط کالبدی نمی‌تواند گره‌گشا باشد. هرچند تاکنون محصول نهایی این مطالعه ارائه نشده است، پیشنهاد این مقاله تأکید مجدد بر تدوین نظام مدیریتی پویا برای هدایت رابطه انسان و شهر است.

۳. در وضع کنونی که طرح تفصیلی پیش از تهیه این سند راهبردی تهیه شده و مراحل تصویب را طی می‌کند و طرح‌های موضوعی و موضعی مناطق نیز در حال تهیه، تصویب و اجرا است، منفک بودن لایه منظر از سایر مطالعات طرح جامع موجب غفلت از این لایه در طرح‌های تفصیلی و موضعی شده است. اضافه شدن لایه منظر پس از تصویب طرح‌های موضعی، موضعی و تفصیلی شهر تهران می‌تواند ضمانت اجرایی این طرح را پایین آورد (خلیجی، ۱۳۸۹: ۷۴).

13

بحث و نتیجه‌گیری

در عصر حاضر و با توجه به سیر تکاملی جامعه، بهره‌گیری از خلاقیت‌های محیطی نقش مهمی در تسهیل و تلطیف فضاهای مرتبط با زندگی افراد داشته است و از آنجا که درک بصری فضا و ارتباط آن با مفاهیم مورد نظر طرح، کاربرد جدی در روابط اجتماعی مردم با سازمان‌ها، ادارات و شرکت‌های برخوردار از طرح‌های هنری دارد، می‌توان گفت خلاقیت‌های محیطی بیش از پیش در توسعه اجتماعی مورد توجه قرار می‌گیرد.

چشم‌انداز معماری در جنوب ایران و کرانه‌های دریای عمان آن هم در منطقه‌ای که روابط فرهنگی بین ملت‌های متراکم در آن برای سال‌های سال منشا تحولات اجتماعی و مناسبات سیاسی بوده، همواره گویای تاریخ ارزشمندی است که به طور مشخص نشانه‌های آن را در سازه‌های نوین و المان‌های محیطی خودنمایی می‌کند و به آسانی می‌شود مشخصه‌های مشترک را در بنادر «سیراف» و «کنگ» ایران با «مسقط» و دیگر شهرهای بندری کشور عمان درک کرد (سهرابیان و حبیب، ۱۳۹۴: ۲۰۰). معماری منحصر به فرد مساجد و سبک‌های جدید و درخور توجه بناها در عمان بازتاب‌دهنده



گذشته سرشار از هویت تاریخی این کشور و وضعیت حال حاضر آن است. پایتخت عمان، مسقط، بین دریا و کوه‌های ناهموار قرار گرفته است. مسقط با سبک معماری شرقی، برای بازدیدکنندگان ترکیب منحصر به فردی از سنت و مدرنیته است. برای نمونه‌ای زیبا از این کشور همسایه جنوب شرقی می‌توان به واحه «بهلا» اشاره کرد؛ شاهکاری زیبا با معماری خاک‌رس که شاهدهی برای تاریخ غنی عمان است. آن طور که از گفته‌ها بر می‌آید «شکاف‌ها که به آن روزنه نیز گفته می‌شود، در این واحه وجود داشته‌است که مردم در آنها عطر می‌گذاشتند یا چراغ که می‌توانست شمع باشد یا فانوس. این روزنه‌ها برای روشنایی در دیوار تعبیه شده‌اند. این روایت‌ها این برداشت را به ذهن متمایل می‌کند که فرهنگ در گذشته مبتنی بر تعامل و ارتباط حسنه بوده است و این را در اجتماع فعلی مردمان عمان که «مدارا» را پیشه کرده‌اند، به خوبی می‌توان یافت. در «مسجد جامع سلطان قابوس» هم به عنوان نمونه دیگر، بازتاب همه رنگ‌های شهر را می‌توان دید. این مسجد یکی از دیدنی‌ترین بناهای مسقط است که برای ۲۰ هزار نمازگزار طراحی و ساخته شده است و یکی از بزرگ‌ترین مساجد جهان است، که معماری آن در جهان شاهکار به حساب می‌آید. آن طور که بدر الذهلی از کالج توریسم عمان می‌گوید: «معماری این مسجد آمیزه‌ای از سنت معماری غرب و شرق آسیا و آسیای مرکزی است».

بنادر جنوبی ایران نیز مانند «سیراف» در استان بوشهر، «کنگ»، «بندر خمیر» و «لنگه» در استان هرمزگان از معماری‌ای تقریباً شبیه به آنچه در فضای محیطی مسقط به چشم می‌خورد، برخوردارند. اگرچه این مولفه‌های اقلیمی در این بنادر نسبت به گذشته کمتر شده است و در مقایسه با عمان از فضای معماری نوین بیشتر بهره گرفته‌اند اما به خوبی می‌توان اشتراکات معماری و روابط تاریخی را یافت. قلعه‌ها، بادگیرها، مناره‌ها، رنگ‌های سفید، چراغ‌ها و قندیل‌ها، عطر، عود و حنا، برقع و لباس‌ها از جمله مولفه‌های چشمگیر و نمادهای محسوس در مناسبات فرهنگی است که در هر دو اجتماع ایرانی و عمانی با زندگی مردم پیوند خورده است. مضامین تاریخی، میراث فرهنگی، طبیعی و فناوری‌های نوین مناطق مختلف هر کدام از دو کشور می‌تواند الهام بخش سازه‌ها و نمادهای محیطی قرار بگیرد و مراکز اداری، شرکت‌ها و موسسات آموزشی و دانشگاه‌ها با بهره‌گیری از این پشتوانه‌ها نه تنها سهمی در فرهنگ سازی ملی و منطقه‌ای خود دارند بلکه کمکی نیز به تلطیف فضای اداری خود برای کاستن از روزمرگی‌های خود همچون حرکتی در موازنه‌سازی بیشتر با محیط پیرامونی کرده‌اند. مناطق جنوبی ایران علاوه بر داشتن فرهنگ و تاریخ ارزشمند از جذابیت ویژه‌ای نیز برای دیده شدن و الگوسازی در نشاط محیطی برخوردارند. آنچه از دریا و ساحل، آفتاب و نخل، شنا و ماهیگیری در ذهن‌ها نقش می‌بندد، جریانی از احساسات خوشایندی خواهد بود که به لحاظ ذاتی در این مولفه‌ها وجود دارد و چه خوب است در شهرهای جنوبی ایران سیاست‌های خلاقانه را برای بهره‌برداری از سمبل‌ها و نمادهای مفرح در مبلمان محیطی به کار گیرند.



- امین زاده، بهناز (۱۳۹۷)، نورپردازی شهری و نقش آن در طراحی مناظر شفا بخش، مجموع مقالات نخستین همایش نورپردازی شهری، سازمان زیباسازی شهر تهران.
- پاکزاد، جهان شاه (۱۳۹۵)، مبانی نظری و فرایند طراحی شهری، جلد دوم، تهران: انتشارات شهیدی، وزارت مسکن و شهرسازی.
- پاکزاد، جهان شاه؛ ساکی، الهه (۱۳۹۳)، تجربه ی زیبایی شناختی محیط، نشریه هنرهای زیبا- معماری و شهرسازی، دوره ۱۹، شماره ۳، صص ۵-۱۴.
- جوادی، شهره (۱۳۹۲)، زیبایی شناسی منظر شهری تهران، نشریه علمی منظر، شماره ۲۲، تهران.
- سهرابیان، گودرز؛ حبیب، فرح (۱۳۹۴)، تبیین مؤلفه های زیبایی شناختی منظر شبانه شهر، فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۴۱، صص ۱۸۷-۲۰۴.
- صادقی، سارا (۱۳۹۵)، طراحی فرهنگسرا با رویکرد واکاوی اصول زیبایی شناسی سازه در معماری، نمونه موردی: مشهد. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علم و صنعت ایران.
- کریمی مشاور، مهرداد (۱۳۹۲)، رویکردها و روشها در زیبایی شناسی شهری، نشریه علمی باغ نظر، دوره ۱۰، شماره ۲۴، صص ۴۷-۵۶.
- گلکار، کوروش (۱۳۹۸)، بازنگری در سیمای شهر، فصلنامه صفا، شماره ۳۴، صص ۷۵.
- متولی، مسعود (۱۳۸۹)، بررسی و سنجش کیفیت زیبایی در منظر شهری بر اساس مفهوم دیدهای متوالی (نمونه موردی مسیر گردشگری دارآباد تهران)، فصلنامه آرمان شهر، شماره ۵، صص ۱۲۳-۱۳۹.
- محسن پور، پریا (۱۳۹۴)، زیبایی شناسی فضاهای شهری، همایش ملی معماری و شهرسازی هویت گرا، مشهد.
- نقی زاده، محمد (۱۳۹۲)، ادراک زیبایی و هویت شهر (در پرتو تفکر اسلامی)، اصفهان، سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان.
- واعظی، مهدی (۱۳۹۵)، بررسی روشهای ارزیابی و تحلیل کیفیت و زیبایی شناسی محیط و منظر شهری، مجله انسان و محیط زیست، تهران.
- خلیجی، کیوان (۱۳۸۹)، نگاهی به سند راهبردی طراحی منظر شهری تهران، نشریه علمی منظر، دوره ۲، شماره ۱۱، صص ۷۲-۷۵.
- یورگ گروت (۱۳۸۶)، زیبایی شناسی در معماری، ترجمه: جهان شاه پاکزاد، عبدالرضا همایون، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.



- Ghanma, F. (2012). Interview at his house in Jabal Lweibdeh. 8 June.
- Herbert, G. (2013). The neighborhood unit principle and organic theory. *Sociological Review* Xt (July), reprinted in *The Search for Synthesis: Selected Writings on Architecture and Planning*, 1997. The Architectural Heritage Research Center, Haifa, 105–136.
- Jarrar, S. (2018). Jabal Lweibdeh wa al-shakhsiyya al-thaqafiyya (The cultural character of Jabal Lweibdeh). *Al-Ra'i Newspaper*, 6 September, No. 11681, 27.
- Abu Nowar, M. (2010). *Tarikh al-Mamlaka al-Urduniyya al-Hashimiyya (History of the ashemite kingdom of Jordan) Part I*. Al-Muassasah al-Sahafiyya al-Urduniyya, Amman, Jordan.
- Hacker, J. (2010). *Amman: a social study*. Department of Geography. University of Durham, Durham, UK.
- Zukin, S. (2012). *Loft living: culture and capital in urban change*. Baltimore: Johns Hopkins University Press.
- Wahlin, L. (2014). How long has land been privately held in northern al-Balqa, Jordan? *Geografiska Annaler*, 76B(1), 3–19.
- Chen, B, Ochieng, A. A. & Bao, Z. (2009). Assessment of aesthetic quality and multiple functions of urban green space from the users' perspective: The case of **Hangzhou Flower Garden**, China. *Landscape and Urban Planning*, 93 (1): 76-82.
- Junker, B. & Matthias, B. (2008). Aesthetic preferences versus ecological objectives in river restorations. *Landscape and Urban Planning*, 85(3-4): 141-154.
- Carmona, M, T. Heath, T. Oc, S. Tiesdell. (2006) "Public Places – Urban Spaces: The Dimensions of Urban Design", New York, Elsevier.
- Nasar, Jack. (1997) "The Evaluative Image of the City". Ohio State University, Sage Publication.
- Nohl, W. (2001). Sustainable landscape use and aesthetic perception-preliminary reflectionson future landscape aesthetics. *Landscape and Urban Planning*, 54(1-4): 223-237.



Comparative comparison of urban aesthetic programs between Iran and Oman

Abstract

The most important element of art in the aesthetic criteria of its elements from the perspective of architecture, urban design based on the rules and principles of artistic methods. Beauty in the form of a visual phenomenon is one of the factors that give the city an experimental quality. Visual components are part of the factors that affect the experience of the city, and attention to the characteristics and requirements of each of these levels - from the point of view of visual rules - is necessary to identify the character of the city. In this article, with a descriptive-analytical method, we will make a comparative comparison of urban aesthetic programs between Iran and Oman. The method of data collection is library type. Findings show that in terms of the effect of climate, public spaces and outside the urban building of Tehran compared to Muscat has a greater number and more used by citizens.

Keywords: urban environment, shape of elements, beauty features, knowledge of beauty, understanding of beauty.